

جایگاه اهل‌البیت (ع) در میان امت اسلامی از دیدگاه امام علی (ع)

سیدعلاءالدین شاه‌رخی*

چکیده

در قرآن و سنت جایگاه ویژه و منحصر به فردی به اهل‌بیت (ع) داده شده است. توجه به این جایگاه اقتضا می‌کرد که این خاندان پس از رحلت پیامبر اکرم (ص) سکاندار دستگاه حکومتی مسلمانان شوند و در عرصه‌های گوناگون سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی جامعه اسلامی رهبری بلامنازع را برعهده گیرند. پس از گذشت نیم قرن از واقعه سقیفه بنی‌ساعده، ماجرای خونین کربلا به وقوع پیوست و بر عترت پیامبر آن رفت که رفت و حتی طرح فضائل آنان ممنوع و خطرآفرین شد.

امیرالمؤمنین علی (ع) با شناخت عمیق از مقوله چگونگی گفتمان با اهل‌بیت (ع) در عصر خود و آینده به طرح مبانی نظری مربوط به عترت پیامبر (ص) و آثار گسترده آنان در حیات بشری و به‌خصوص جامعه اسلامی پرداخت. در این مقاله با رویکردی تاریخی - تحلیلی شیوه پرداختن امام به این مسئله مورد بررسی قرار می‌گیرد و تلاش آن حضرت برای بیدارکردن وجدان‌های خفته در قبال وظیفه‌ای که در برابر این هدایتگران الهی داشت، بررسی می‌شود و سرانجام، اثرگذاری ارشادات امام در بخشی از جامعه با وجود موانع بسیار، و صفات محبان اهل‌بیت (ع) در کنار صفات مخالفان آنان طرح می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: امام علی (ع)، اهل‌البیت (ع)، پیامبر اکرم (ص)، قرآن، سنت، مسلمانان.

مقدمه

آیات متعددی در قرآن به روشنی بر وجود خاندان‌های پاک و برگزیده تأکید دارد که از آنها

* استادیار گروه تاریخ دانشگاه لرستان shahrokhi41@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۰/۳/۱۵، تاریخ پذیرش: ۹۰/۵/۱۷

افرادی به پیامبری رسیدند و گاه در بین فرزندان و نوادگان‌شان نیز این جایگاه استمرار یافت. چنانچه در میان وابستگان نزدیک آن پیامبران اشخاص ناهلی وجود داشت، طرد می‌شدند و از خاندان (اهل) آن‌ها به‌شمار نمی‌آمدند. بعثت رسول گرامی اسلام پایان‌بخش جریان نبوت بود، خداوند متعال با رسالت حضرت محمد (ص)، اسلام را دین همیشگی و خاتم ادیان اعلام کرد. با این حال یکی از آسیب‌های همیشگی ادیان الهی تلاش و اقدامات منافقان و کافران بود که موجب نسخ و تحریف ادیان پیشین شد.

روند و شدت تحریف ادیان الهی یکی از موجبات لزوم ارسال پیامبران جدید بود، زیرا تحریف کتب آسمانی و افکار توحیدی و محرومیت انسان‌ها از اندیشه‌ها و سرمشق‌های سعادت‌بخش، امکان هدایت و تعالی جوامع انسانی را عملاً نفی کرد. کلام خداوند در قرآن که می‌فرماید: انا نحن نزلنا الذکر و انا له لحافظون: ما قرآن را نازل کردیم و قطعاً نگهدار آنیم (حجر: ۹)، تأکیدی است بر حفظ کردن این کتاب آسمانی از هرگونه خطری، از جمله تحریف. این درحالی است که بنابر نص صریح کلام الهی منافقان خطرناکی در جامعه اسلامی حتی در عصر پیامبر (ص) منتظر فرصت بودند تا به مسخ دین بپردازند، که وقایع پس از رحلت آن حضرت این واقعیت را تأیید کرده.^۲ حال این سؤال مطرح می‌شود که چه کسانی در آن دوران دشوار و حساس، وظیفه مهم هدایت و ولایت را عهده‌دار بودند؟ برخی تصور می‌کنند این مسئولیت با رحلت پیامبر (ص) به اتمام رسید اما چنین تصویری با تعالیم اسلام، که برای همه نسل‌های بعدی تا آخرالزمان معتبر است، در تضاد خواهد بود. از جانب دیگر، با دقت در کلام وحی درمی‌یابیم که خداوند افرادی را به‌عنوان مظهر ولایت خود بر مخلوقاتش «ولی» قرار می‌دهد و می‌فرماید:

انما ولیکم الله و رسوله و الذین آمنوا الذین یقیمون الصلاة و یؤتون الزکاة و هم راکعون: همانا سرپرست و ولی شما تنها خداست و پیامبر او و کسانی که ایمان آوردند، همان کسانی که نماز را برپا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌دهند (مائده: ۵۵).

بنابراین، ولایت رسول خدا (ص) جلوه‌ای از ولایت خداوند است، اما این ولایت محدود به ایشان نبوده و پس از آن حضرت نیز از طریق افراد خاصی که در آیه فوق بی‌ذکر نام صفاتشان بیان شده است، استمرار می‌یابد. اجماع علما و مفسران شیعه و اهل سنت آن است که مصداق این آیه حضرت علی (ع) است.^۳ لذا ولایت علی (ع) هم تجلی ولایت خداوند است، یعنی ولایت الهی با ولایت رسول (ص) و امام اعمال می‌شود. درواقع، خداوند به‌منظور حفظ وجود هدایتگران راستین بر روی زمین، امامان معصوم (ع) را به این

مسئولیت گمارد و آنان پس از ختم نبوت، عهده‌دار این وظیفه بسیار مهم شدند. مسئله اساسی که این پژوهش قصد پردازش آن را دارد، ناآگاهی بسیاری از مسلمانان از جایگاه اهل بیت (ع) است و این که اهل بیت (ع) و در رأس آنان امام علی (ع) چه تلاشی برای تبیین این موضوع مهم و حیاتی کردند؟ در واقع، نگرش و اقدامات امام در این راستا سرمشقی برای سایرین بوده است.

امامان همان اهل بیت (ع) پیامبر (ص) و انسان‌های کاملی بودند که آیین تمام‌نمای حق و تجلی گاه ولایت الهی بودند. با این که در مورد اهل بیت (ع) برخی نکات در ذیل مجموعه‌های کلی و یا نوشته‌هایی خاص، همچون نقش اهل بیت (ع) در تبیین معارف اسلامی،^۴ نگارش یافته است، اما تحقیقات جدید و طرح موضوع از نگاه امام علی (ع) ضروری به نظر می‌رسید، از این رو، پاسخ برخی سؤالات می‌تواند ابعدادی دیگر از حقایق را بر همگان بگشاید، سؤالاتی همچون:

۱. از نظر امام علی (ع)، اهل بیت (ع) در ابعاد گوناگون وجودی از چه جایگاهی برخوردارند؟
۲. چه مسئولیت‌ها و تکالیفی بر عهده دارند؟
۳. چه کسانی به ایشان محبت می‌ورزند و متقابلاً چه افرادی با آنان دشمن هستند؟
۴. آثار و نتایج این محبت و دشمنی چیست؟

معمولاً در اکثر پژوهش‌های مربوط به اهل بیت (ع)، طرح مباحث بر محوریت برخی ادله عقلی و نقلی است، اما در این پژوهش با استفاده از روش تاریخی - تحلیلی و با استناد به سخنان و گفته‌های امیرالمؤمنین علی (ع) این موضوع بررسی شده است.

واژه اهل بیت (ع)

واژه اهل در لغت به معنای شایسته و سزاوار است (عمید، ۱۳۷۷: ۱/ ۲۶۹) و واژه بیت نیز به معنای جای بیتوته و سکونت است که آن را معادل خانه می‌دانند (همان: ۳۹۸). با اضافه شدن «اهل» به «بیت»، ترکیبی درست می‌شود به معنای اهل منزل و ساکنین در منزل (فراهیدی، ۱۴۰۸: ۸۹/۴)، لذا چنین به نظر می‌رسد که اهل بیت (ع) هر شخصی در واقع بستگان بسیار نزدیک او و کسانی‌اند که در منزل وی زندگی می‌کنند.

از آن جا که این پژوهش در مورد اهل بیت رسول اکرم (ص) است و بیت ایشان محل نزول وحی بوده است، بالطبع مراد از اهل بیت (ع) آن حضرت همه افراد خانواده ایشان

نیست، بلکه افرادی از آن‌ها مدنظر است که از نظر علمی و عملی و صفات شایسته انسانی، شایستگی بیت پیامبر(ص) را داشته باشند (بابایی، ۱۳۸۱: ۶۷).

مصادیق اهل‌بیت(ع)

فصائل و خصوصیات ممتازی که در قرآن و سنت معصومین(ع) درباره اهل‌بیت آمده است، بیانگر جایگاه منحصر به فرد آنان است. این واژه فقط دوبرار در قرآن ذکر شده است. یک بار در خصوص خاندان حضرت ابراهیم(ع)، که می‌فرماید:

رحمة الله و برکاته علیکم اهل‌البیت: رحمت خدا و برکات او بر شما اهل‌بیت باد (هود: ۷۳).

و بار دیگر در خصوص پیامبر اسلام(ص)، که خود از نسل ابراهیم(ع) است و درباره او و خاندانش نیز آیه‌ای مستقل نازل شده که به آیه تطهیر معروف است:

انما یریدالله لیذهب عنکم الرجس اهل‌البیت و یطهرکم تطهیرا: خدا می‌خواهد آلودگی را از شما اهل‌بیت بزداید و شما را پاک و پاکیزه گرداند (احزاب: ۳۳).

در این آیه، هرگونه پلیدی به‌طور خاص از اهل‌بیت(ع) پیامبر(ص) نفی گردیده و این امتیاز به اراده الهی در شأن آنان روا داشته شده است. واژه «اراده» در لغت به مفهوم طلب و اختیار است (مقری الفیومی، ۱۴۱۹: ۲۴۵/۱)، اما اراده الهی که کاملاً متفاوت با اراده انسانی، است به مفهوم حکم یا اراده حتمی است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۹۷/۱۷).

برخی از صاحب‌نظران اهل سنت، مصداق اهل‌بیت(ع) را همسران پیامبر(ص) ذکر می‌کنند، به‌علت این‌که آیات قبل و بعد از آیه تطهیر درباره زنان آن حضرت نازل شده است (قرشی، ۱۳۷۱: ۱/ ۱۲۷). البته بخشی از پاسخ آنان در استدلالشان نهفته است، زیرا سیاق آیات مربوط به همسران ایشان با جمع مؤنث بوده و از این آیه جدا می‌شود. نکته دیگر، سرزنش برخی از همسران پیامبر(ص) در قرآن است،^۵ که علی‌القاعده چنین اشخاصی نمی‌توانند اهل‌بیتی باشند که خداوند آنان را از هر گناه و اشتباهی در امان دانسته است.

بررسی دقیق منابع شیعی و بسیاری از منابع اهل سنت^۶ بیانگر این واقعیت است که اهل‌بیت مذکور در آیه تطهیر، منحصرأ شامل حضرت محمد(ص)، علی(ع)، فاطمه(س)، حسن(ع)، و حسین(ع) و دیگر امامان معصوم(ع) است. در اثبات این مدعا مدارک و اسناد بسیاری وجود دارد که به چند مورد آن‌ها اشاره می‌شود:

الف) ام سلمه، همسر پیامبر(ص) می‌گوید:

آیه تطهیر در منزل من نازل شد، درحالی که پیامبر (ص) علی، فاطمه، حسن، و حسین را نزد خویش فراخواند و فرمود: خدایا اینان اهل بیت من هستند (حاکم نیشابوری، بی تا: ۱۶۷/۲).

ب) پیامبر اکرم (ص) فرمود:

من و علی و حسن و حسین و نه فرزند حسین، تطهیر گردیده‌ایم و به دور از هرگونه خطا هستیم (جوینی خراسانی، ۱۹۸۰: ۱۳۳/۲).

ج) رسول خدا (ص) فرمود:

ما اهل بیتی هستیم که خداوند آنان را از زشتی‌ها پاک کرده است، ما از درخت نبوت و منزل رسالت و محل رفت و آمد فرشتگان و خانه رحمت و خزانه دانش هستیم (سیوطی، ۱۹۹۳: ۶/۶۰۶).

مظلومیت مضاعف اهل بیت (ع)

با وجود شواهد متعدد در مورد جایگاه ممتاز اهل بیت (ع)، چونان آیات و روایات و احادیث متواتری که دانشمندان شیعه و اهل سنت در طول قرون متمادی در فضیلت این خاندان نقل کرده‌اند، آنان پس از رحلت پیامبر (ص) خانه‌نشین شدند و اذیت و آزار دیدند، همچنین حاکمان فاسد تلاش کردند تا از نشر فضائل ایشان در میان مردم جلوگیری کنند تا حاکمیت خودشان با آسیب کمتری مواجه شود. سؤالی که وجود دارد، این است که چرا پس از رحلت پیامبر (ص) انبوهی از مظالم بر این خاندان وارد شد؟ کنکاش برای پاسخ به این سؤال می‌تواند اقدام امیرالمؤمنین علی (ع) در بیان بخش‌هایی از خصوصیات آنان را تبیین کند.

حفظ ارزش‌های اسلامی و پیروی از فرمان پیامبر (ص) پس از رحلت حضرتش عملاً کنار نهاده شد. همان‌طور که عموم مورخان می‌گویند، بعثت رسول ختمی مرتبت درحالی رخ داد که جاهلیت بر جامعه اعراب حاکمیت کامل داشت.^۷ لذا بخش مهمی از فعالیت‌های ایشان متمرکز بر گذردادن جامعه جاهلی به جامعه مطلوب و ایده‌آل اسلامی و ایجاد نظام امامت گردید. سرسختی و دشمنی با آن فرستاده الهی تا سال‌های پایانی عمرش ادامه یافت و زمانی که اکثر مردم شبه جزیره عربستان به اسلام تمایل نشان دادند، با رحلت آن حضرت فرصتی برای تحول بنیادین و عمیق در آنان فراهم نشد.

پس از رحلت پیامبر (ص)، واقعه سقیفه بنی ساعده بر مبنای تعصبات قومی و نژادی شکل گرفت. انصار از بیم تسلط مهاجرین و به‌خطرافتادن موقعیت خود پیش از دفن شدن آن حضرت و بدون هیچ‌گونه برنامه قبلی برای تعیین حاکم در محلی به نام سقیفه بنی ساعده

گرد آمدند (طبری، ۱۴۰۹: ۲/ ۴۵۵). خلیفه اول در اولین سخنرانی خود پس از بیعت با قشرهایی از مردم خطاب به آنان گفت: «من بر شما امارت پیدا کردم، ولی از شما بهتر نیستم» (ابن هشام، ۱۳۷۵: ۲/ ۶۶۱).

دست‌آورد سقیفه، غفلت از دستورات مؤکد پیامبر (ص)، غصب حق علی (ع) و اهل‌بیت (ع)، و احیای ارزش‌های جاهلی و عصبیت‌های قومی بود. پس از این واقعه، آن‌گاه که برخی از بزرگان صحابه برای اعاده موقعیت اهل‌بیت (ع) تلاش کردند، با مخالفت جدی و سرکوب سردمداران سقیفه و اشراف قریش مواجه شدند (ابن بکار، بی‌تا: ۵۸۱-۵۸۳). روند انحراف و ظلم بر اهل‌بیت (ع) با دستیابی بنی‌امیه به خلافت سرعت بیشتری یافت. با کنار نهادن سنت نبوی و تسلط حکومت‌های جاهلی اشرافی، حتی برخی اصحاب بزرگوار پیامبر (ص) همچون حجر بن عدی که نسبت به اهانت معاویه به امام علی (ع) و کنار نهادن اهل‌بیت (ع) اعتراض کردند، ناجوانمردانه به شهادت رسیدند (بلاذری، ۱۴۲۴: ۵/ ۲۱۰۹).

همین خلیفه، که بنیان‌گذار حکومت اشرافی و سلطنتی بنی‌امیه بود، با تطمیع برخی راویان بی‌تقوا به جعل حدیث و مخدوش کردن چهره رسول گرامی اسلام و اهل‌بیت (ع) وی و متقابلاً جعل فضایی در مدح برخی خلفا و خود و خاندانش دست زد.^۸ بدین‌سان نه فقط جامعه اسلامی از حاکمیت اهل‌بیت (ع) محروم ماند، بلکه بسیاری از مسلمانان حتی شناختی نسبی از جایگاه آنان نداشتند و کار به آن‌جا رسید که به دستور معاویه، مسلمانان در سراسر جهان اسلام، می‌بایست پس از اتمام نماز، امیرالمؤمنین علی (ع) را لعن و نفرین می‌کردند. این بدعت شوم، رایج و عملی گردید و در افکار عمومی اثر بخشید و رفته‌رفته عادی شد، به‌گونه‌ای که بسیاری از کودکان با کینه علی (ع) بزرگ شدند و بزرگ‌ترها نیز با این احساسات دنیا را ترک کردند، درحالی‌که نمی‌دانستند او از چه جایگاهی برخوردار بوده است. بعد از معاویه، خلفای دیگر اموی نیز این روش را ادامه دادند و این بدعت تا اواخر سده اول هجری، که عمر بن عبدالعزیز به خلافت رسید،^۹ ادامه داشت (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۸۶: ۳/ ۵۷).

مسئله‌شناسی اقدام امام علی (ع) در بیان ابعادی از فضایل اهل‌بیت (ع)

هر پیامبر به لحاظ وجودشناسی و معرفت‌شناسی نماینده اسم الهی معینی است، درحالی‌که آخرین پیامبر نماینده جمیع اسماء الهی یا به عبارتی نماینده واقعیت و حقیقت نهایی است که جامع کلی شریعت است (خمینی، ۱۳۶۰: ۱۵۳). آن حضرت خود از اهل‌بیت (ع) بود و بارها به بیان فضائل این شجره طیبه (اهل‌بیت) نیز پرداخت.

اهل بیت (ع) جزء جدایی ناپذیر قرآن و دانا به تمام اسرار آن بودند. پیامبر (ص) پیوسته به همراهی این دو با یکدیگر برای هدایت امت اسلامی تأکید می‌کرد، و سخنانش در کتب تاریخ و روایی شیعه و اهل سنت مفصلاً ذکر شده است تا چنان‌که آن حضرت در گفتاری از پیامبر اسلام که به حدیث وصایت مشهور است، علی (ع) را مطلقاً وصی خود معرفی کرد (ابن عساکر، ۱۳۹۸: ۳/۹۵).

با وجود جایگاه انکارناپذیر اهل بیت (ع)، این حقیقت در جامعه بازنمایی گسترده و تأثیرگذار نیافت. قتل عام مؤمنان، به خصوص پس از حادثه غمبار کربلا، موجب شد که گروه‌هایی از مردم که در سرزمین‌های پهناور اسلامی از این حقایق بی‌اطلاع بودند، تا حدودی با فضایل خاندان رسول خدا (ص) آشنایی یابند. با وجود این، سرکوب بی‌رحمانه طرفداران این خاندان و همراهی نکردن بسیاری از خواص، روند این حرکت را کند کرد. امام علی (ع) با آگاهی از آینده و به پیروی از قرآن و پیامبر اعظم (ص) به معرفی ابعاد از شخصیت اهل بیت (ع) پرداخت و سپس سایر امامان معصوم (ع) نیز همین روش را ادامه دادند تا انوار این خاندان بر ناآگاهان هم بتابد.

ابعاد مختلف طرح اهل بیت (ع) در کلام امام علی (ع)

تأمل در سخنان امام، که عمدتاً در دوران چندساله خلافتش بیان شده است، گویای طرح موضوع اساسی اهل بیت (ع) به اشکال گوناگون و در فرصت‌های گوناگون است. آن حضرت به تأسی از کلام وحی و حضرت ختمی مرتبت در بیان الگو و چهارچوب نظام رهبری الهی بر کره خاکی، این نکته را بارها به مردم گوشزد کرد. موضوع اهل بیت (ع) و امامت ذکر چند نام نبود، بلکه راه سعادت بشر و یگانه مسیر کامل و صحیحی بود که می‌توانست بشر را از گذرگاه‌های انحراف و جهالت برهاند و با ارائه افکار و اندیشه‌های متعالی ناب اسلامی و به دور از انحرافات فکری و اخلاقی در مسیر لقاءالله هدایت کند.

امام با آگاهی عمیق خویش و اطلاع از این‌که به‌زودی خلافت و رهبری جامعه اسلامی در چنگال افرادی نالایق و فاسد دست‌به‌دست خواهد شد، از هر فرصتی برای آگاهی‌بخشی به مردم و طرح مشروعیت الهی اهل بیت (ع) استفاده کرد. طرح این نظریه حتی اگر به عللی چند، از جمله احیای ارزش‌های جاهلی و تقویت موقعیت شیوخ قبله‌ها (اشراف القبائل)، با چالش مواجه بود، اما می‌توانست همواره سرمشقی مناسب برای مؤمنان و آزادگان باشد تا معیار و میزان حق را بدانند. مگر نه این‌که خداوند متعال می‌فرماید:

ان الله يأمرکم أن تؤدوا الامانات الی اهلها: همانا خدا به شما امر می‌کند که امانت‌ها را به صاحبان آن‌ها رد کنید (نساء: ۵۸).

۱. بیان جایگاه و فضیلت اهل‌بیت (ع)

از روش‌هایی که با تدبیر در قرآن دریافت می‌شود، انتخاب پیامبران از خاندان‌هایی پاک، ریشه‌دار و نجیب بوده است. در سورهٔ مریم، از اول تا آیهٔ ۵۸، هشت نفر از پیامبران، یعنی زکریا، یحیی، عیسی، ابراهیم، موسی، هارون، اسماعیل، و ادريس یاد شده‌اند و سپس چنین آمده:

اولئک الذین انعم الله علیهم من النبیین من ذریهٔ آدم و ممن حملنا مع نوح و من ذریهٔ ابراهیم و اسرائیل ۱۰ (← قرشی، ۱۳۷۱: ۸۴ / ۱).

امام علی (ع) در کلامی زیبا و پرمحتوا فرمود:

خدا نطفهٔ خاندان رسالت را در بهترین امانتگاه‌ها و مطمئن‌ترین پناهگاه‌ها جای داد. شایسته‌ترین صلب‌ها به پاک‌ترین رجم‌ها منتقل گردید. هر فردی از آنان که از دنیا رفت، جان‌شین وی دین خدا را به‌پای داشت و سرانجام، لطف خدا منتهی شد به وجود محمد (ص)، پیامبری که خداوند او را از بهترین سرزمین‌ها و برترین ریشه‌ها، و از شجره‌ای که پیامبران الهی را پشت سر گذاشته و امینان خدا از میان آنان برگزیده شده‌اند، جدا ساخت. خاندان محمد (ص) بهترین خاندان، طائفه‌اش بهترین طائفه، و شجره‌اش بهترین شجره است (نهج‌البلاغه، ۱۳۷۸: ۲۸۵).

امام پس از اطلاع یافتن از جریان سقیفهٔ بنی‌ساعده، وقتی که دید برخی با استدلال به قریشی بودن و انتساب به شجرهٔ رسول خدا (ص) خلافت را در دست گرفته‌اند، فرمود:

به درخت استدلال می‌کنند و ثمرهٔ درخت (امام و اولادش) را نادیده می‌گیرند (همان: ۱۲۵).

آن حضرت در نامه‌ای به معاویه ضمن اشاره به مظالم قریش نسبت به پیامبر (ص) و خاندانش، در بیان فضائل اهل‌بیت (ع) نوشت:

هروقت جنگ شدت می‌گرفت و مردم حمله می‌کردند، رسول خدا (ص) اهل‌بیت (ع) خویش را پیش می‌انداخت و اصحاب خود را به وسیلهٔ اهل‌بیت (ع) از گرمی شمشیر و نیزه حفظ می‌کرد (همان: ۶۴۶).

۲. مقام رهبری و هدایت‌گری اهل‌بیت (ع)

مراجعه به کلام وحی (قرآن) گویای این واقعیت است که خداوند متعال هرگز حکومت و

رهبری ستمکاران و حاکمان فاسد را تأیید نکرده است، بلکه خود افرادی برگزیده را برای هدایت و رهبری مردم مشخص نموده است. بی تردید، همین شرایط در زمان پیامبر اسلام و پس از او هم جاری بوده است، و آیات متعددی این موضوع را تأیید می‌کند، از جمله:

و من يتول الله و رسوله و الذين آمنوا فإن حزب الله هم الغالبون: و هرکس که ولایت خدا و پیامبر او و افراد با ایمان را بپذیرد (از حزب خداوند است) و بی‌گمان حزب خداوند پیروز است (مائده: ۵۶).

۱.۲ رهبری بر پایه فضیلت الهی و ذاتی

آیات متعددی در قرآن بر ولایت علی (ع) و اهل بیت (ع) تأکید کرده و بسیاری از منابع اهل سنت و شیعه به اتفاق، شأن نزول آیات را بر همین محور بیان کرده‌اند. در کنار این همه، در اواخر حیات پیامبر (ص) و پس از حجة‌الوداع، با نزول آیه تبلیغ، ولایت (مائده: ۶۷) آن حضرت را در غدیر خم و در برابر دیدگان هزاران نفر ابلاغ کرد و فرمود: «هر کس که من مولای اویم، پس این علی مولای اوست» (کلینی، ۱۳۷۲: ۱/ ۴۲۰).

هر چند فضائل اهل بیت (ع) در بسیاری از منابع اسلامی تا حدودی ثبت شده و در این پژوهش نیز به آن‌ها اشاراتی رفته است، ولی از آن‌جا که یکی از اساسی‌ترین وظایف آنان مسئولیت رهبری و هدایت جامعه است، تلاش بسیار شد تا این موضوع حتی‌الامکان کتمان و یا لاقفل کم‌رنگ شود؛ از این‌رو، نکاتی دیگر را در حوزه رهبری آنان مطرح می‌کنیم.

در کلامی از پیامبر (ص) که به حدیث ثقلین مشهور است، آن حضرت اهل بیت (ع) خود را هم‌پایه و در کنار قرآن قرار داد (مسلم بن حجاج نیشابوری، بی‌تا: ۷/ ۱۲۳). در گفتاری دیگر از آن حضرت، که به «حدیث سفینه» معروف است، ایشان، اهل بیت (ع) خود را به کشتی نوح تشبیه می‌کند که هر کس در آن جای گرفت، نجات یافت و هر که از آن تخلف ورزید، غرق شد (نقوی، ۱۴۰۶: ۲/ ۱۹۶).

۲.۲ لزوم اطاعت از رهبران الهی / اهل بیت (ع)

امام علی (ع) در بیان ضرورت اطاعت از صاحبان امر (اولوالامر) که در قرآن آمده و مصداق آن امامان معصوم (ع) هستند، فرمود:

همانا خداوند بدان جهت به اطاعت صاحبان امر فرمان داد که آنان معصوم و پاکیزه‌اند و هیچ‌گاه به گناه امر نمی‌کنند (شیخ صدوق، ۱۹۹۶: ۱/ ۱۲۳).

همه رهنمودهایی که در مورد رهبران شایسته و هدایتگر بیان شده است، بی‌شک

نمی‌تواند بر خلفای فاسق، جانی، و فاسدالاخلاق اموی و عباسی تطبیق‌پذیر باشد. از این رو، بارها از راه‌های مطمئن و خاص نام و نشان ذکر گردید، از جمله امام علی (ع) فرمود:

اهل‌بیت (ع) در کتاب خدا ما هستیم (ثقفی کوفی، بی‌تا: ۱۹۹/۱).

۳.۲ انحصار امامت در اهل‌بیت (ع)

اوضاع نابسامان پس از رحلت حضرت رسول اکرم (ص) تدریجاً موجب شد تا افرادی بی‌بهره از صفات رهبری مسلمانان، با تکیه بر قدرت و ثروت، خود را بر مسند خلافت جامعه اسلامی قرار دهند، و حتی در این راستا خون‌های بسیاری به هدر دادند. امیرالمؤمنین (ع) با طرح این حقیقت که موضوع رهبری اهل‌بیت (ع) از جانب خداوند متعال تعیین شده است، در خطبه‌ای می‌فرماید:

آنان که فکر می‌کنند در علم راسخ هستند و از روی دروغ و ظلم بر ما، خود را لایق رهبری می‌دانند و به ما عقیده ندارند، کجا هستند؟ اینان باید بدانند خدا ما را مقام داده و دیگران را پائین آورده است؛ به ما لطف کرده و آنان را محروم ساخته است، و ما را از علم خود بهره‌مند گردانده و دیگران را بی‌بهره کرده است. مردمان به‌وسیله ما راه هدایت را می‌آموزند و گمراهی را برطرف می‌سازند (نهج‌البلاغه، ۱۳۷۸: ۳۲۸).

۳. جامعیت اهل‌بیت (ع) در ابعاد مختلف

در برخی تحلیل‌ها ملاحظه می‌شود با استنباط از معنای لغوی «امام»، افرادی که به هر طریق بر مسند حکومت مسلمانان قرار گرفتند، به امام و رهبر مسلمانان ملقب شدند. پیروی از اهل‌بیت (ع) مشروط به قدرت سیاسی آنان نبوده و اکثریت قریب به اتفاق آنان نه فقط به خلافت نرسیدند، بلکه تعقیب شدند و آزار دیدند، با این حال، همواره - نه تنها در عصر خود که حتی در زمان‌های دیگر - ملجأ فکری و سیاسی مؤمنان بودند. مجموعه گسترده‌ای از احادیث موجود که بهره‌جویی از مفاهیم عمیق قرآن را فقط از طریق اهل‌بیت (ع) امکان‌پذیر می‌داند.

قرآن فقط شامل ظواهر کلامش نیست، بلکه باطنی دارد و اسراری، که پیامبر (ص) و اهل‌بیت (ع) آن را درک می‌کنند. خداوند در این کتاب آسمانی می‌فرماید:

و انزلنا الیک الذکر لتبین للناس ما نزل الیهیم: ما بر تو ای پیامبر ذکر (قرآن) را نازل کردیم تا برای مردم آن را تبیین و تشریح نمایی (نحل: ۴۴).

فرستادهٔ وحی بارها بر لزوم وجود سنت در کنار قرآن تأکید کرد، از جمله فرمود:
آگاه باشید که قرآن بر من نازل شد و مثل قرآن (سنت) نیز همراه با قرآن است
(قرطبی، ۱۹۸۵: ۱/ ۴۳).

نکتهٔ درخور توجه آن است که بارها در محافل علمی، که گاه خلفا برگزار می‌کردند،
عجز مفسران در برابر تفاسیر معصومان (ع) آشکار می‌شد و علاوه بر این، در فرصت‌های
گونگون مردم و حتی دانشمندان برای درک برخی مفاهیم و تفاسیر آیات به اهل‌بیت (ع)
مراجعه می‌کردند. احادیث بسیاری در منابع شیعی و سنی وجود دارد که تأیید می‌کند
«راسخون در علم» تنها اهل‌بیت (ع) هستند، آنان که از علم تأویل قرآن آگاهی کامل دارند
(عیاشی، ۱۳۸۰: ۱/ ۲۹۲ - ۲۹۳).

امام علی (ع) در سلسله‌گفتارهای خود به ابعاد جامعیت اهل‌بیت (ع) در حوزه‌های گوناگون
علمی، اجتماعی، و سیاسی اشاره کرده و مفسد دست‌کشیدن از آنان را چنین بیان می‌کند:
در دریاهای آشوب فرو رفتند، دستورهای اسلام را کنار گذاشتند، بدعت‌ها را پذیرفتند،
مؤمنان خانه‌نشین شدند، و گمراهان دروغگو به حرف آمدند. ما اهل بیت، خاصگان و
یاران پیامبریم و گنجوران علم و درهای آن هستیم. باید برای ورود به خانهٔ (علم) از در آن
وارد شد، و هر کس از راهش وارد نگردد، دزد نامیده می‌شود (نهج‌البلاغه، ۱۳۷۸: ۳۵۷).

۴. آثار منفی غفلت از اهل‌بیت (ع)

آنچه از گفتارهای امام استنباط می‌شود، تحلیل چالش‌های متعددی است که جوامع اسلامی
پس از رحلت پیامبر (ص) دچار آن شدند و مرکزیت این انحرافات درک ناصحیح در
تشخیص افرادی بود که پس از آن حضرت شایستگی داشتند، یعنی کسانی که از نظر رهبری
سیاسی، اعتقادی، اخلاقی، و اجتماعی بر دیگران اشراف داشتند. در نتیجه، مسلمانان گرفتار
رهبرنمایی شدند که خود اسیر انحرافات بودند. از این جهت، امام اهل‌بیت (ع) را این‌گونه
توصیف می‌کند:

آگاه باشید آل محمد (ص) مثل ستارگان آسمان هستند، هرگاه ستاره‌ای ناپدید شد، ستارهٔ
دیگری آشکار می‌گردد. گویا خدا نعمت‌های خود را در حق شما کامل کرده و آنچه را
آرزو دارید، به شما ارائه داده است (همان: ۲۱۸).

نکتهٔ مهم دیگری که امام در مورد آن روشن‌گری می‌کند، لزوم تمییز و جداسازی منصب
الهی اهل‌بیت (ع) از کسانی بود که این واژه را فقط در لفظ به کار می‌بردند، چنان‌که خلفای

صدر اسلام از عبارت «خليفة رسول خدا (ص)» استفاده کردند (ابن خلدون، ۱۳۶۳: ۱/ ۴۷۹). امویان عنوان خليفة الله را برگزیدند. عباسیان نیز، علاوه بر القاب خليفة الله و امیرالمؤمنین، از القاب خاصی که به «الله» ختم می‌شد، استفاده کردند. سخن حضرت بر لزوم رجوع به افرادی است که به حق جامع‌الاطراف بودند؛ از این رو، امام می‌فرماید:

چرا شما را به گمراهی می‌کشاند، با این‌که عترت پیامبر (ص) در میان شما موجود است، چرا خود را به کوری زده‌اید؟ خاندان پیامبر (ص)، رهبران حق، راهنمایان دین، و زبان حق هستند. آنان را به بهترین مقام‌های قرآن در نظر بگیرید و مانند حیوانات تشنه که به آب حمله می‌کنند تا آب بنوشند، از آنان بهره‌برداری کنید (نهج البلاغه، ۱۳۷۸: ۱۶۸).

الف) مخالفان اهل‌بيت (ع) از منظر امام علی (ع)

روش زندگانی و سیره هر یک از اهل‌بيت (ع) به پیروی از جدشان رسول اکرم (ص) بود و آنان الگویی تمام‌عیار و تجلی حقیقی آن حضرت در عصر خود بودند. بدین جهت، در برخی اعصار با این‌که برخی از بزرگان و دانشمندان دچار لغزش‌هایی شدند که گاه می‌توانست حتی اساس اسلام را خدشه‌دار کند، اما وجود ذریه پیامبر (ص)، که در سخنان امیرالمؤمنین (ع) به حق راسخان در علم، پرچمداران دین، اصحاب رسول، و ابواب علوم و معارف خوانده شده‌اند، از تأثیر این صدمات جلوگیری کرد.

مسلم است همان‌گونه که پیامبران الهی همواره با خیل دشمنان مواجه بودند، این فرزندان خلف پیامبر (ص) هم از این آسیب در امان نماندند. آن حضرت با تشخیص دقیق خود در شناسایی آسیب حمیت (تعصب) قومی و خونی برای اسلام و جامعه اسلامی کوشید تا از قبایل متفرق، امتی واحد بسازد. برخی افراد بلافاصله پس از رحلت ایشان با همین حربه به قدرت رسیدند، و در مدت ۲۵ سال پس از آن، که علی (ع) به خلافت رسید، واقعیت خطرناک قبیله‌گرایی کاملاً بر جامعه سیطره یافته بود. امام عصیت قبیله‌ای را با برتری جویی شیطان مقایسه کرد و از اقوام مختلف و سرنوشت سوء آنان شاهد آورد تا مردم را آگاه کند. در چنین جامعه‌ای، رؤسای قبایل همواره دامن‌زدن به تعصبات و پراکندگی جامعه را به مصلحت خود می‌دانند. امام مردم را از تبعیت آنان بر حذر داشت (شمس‌الدین، ۱۳۶۱: ۱۱۱-۱۲۱).

اهل‌بيت (ع) با وجود مواجه شدن با چالش‌های متعدد فکری و سیاسی، به‌ویژه احیاء و تقویت تعصبات جاهلانه، ضمن آگاهی‌بخشی به جامعه سعی کردند اثرگذاری این آسیب‌ها در میان مسلمانان کاهش یابد، و مهم‌تر از همه، دین توحیدی اسلام از خطر تحریف در

امان بماند. قطعاً اگر آنان ابزارهای سیاسی و اجتماعی لازم را در اختیار داشتند، با تأثیرگذاری بر فضای گسترده‌تری کارکرد آرمان‌گرایی دین اسلام را به بشریت عرضه می‌کردند. هیأت حاکمه و عواملش متقابلاً از هیچ جنایتی علیه آنان دریغ نکردند و از این رو، عقوبت سختی در انتظارشان بود. امیرالمومنین (ع) می‌فرماید:

دشمن و کینه‌دار ما در انتظار عذاب خداست (نهج البلاغه، ۱۳۷۸: ۲۵۲).

آن حضرت در خطبه‌ای دیگر با اشاره به حوادث پیش‌آمده پس از رحلت پیامبر (جریان خلافت) به تکلیف مردم در ضرورت شناخت امام تأکید کرد و فرمود:

رهبران، نمایندگان خدا در میان خلق و آگاه از وضع مردم و حاکم بر آنها هستند. کسی وارد بهشت نمی‌شود مگر این‌که رهبران (امامان (ع)) را بشناسد و آنان هم افراد را بشناسند، و کسی که امامان را نشناسد و امامان هم او را نشناسند، به‌طور حتم وارد آتش می‌گردد (همان: ۳۵۱-۳۵۲).

ب) محبان و طرفداران اهل بیت (ع) از نگاه امام

خشونت و مظالم بی‌شماری که در دوران بنی‌امیه و سپس بنی‌عباس بر همه نوادگان رسول اکرم (ص) / اهل بیت (ع) وارد شد، موجب شد تا اکثر مردم از جایگاه آنان آگاه نباشند و یا به سبب واهمه از حکومت‌های اقتدارگرا از آنان دوری گزینند. در این میان افرادی در محبت اهل بیت (ع) ثبات قدم فوق‌العاده‌ای نشان دادند و با وجود مواجهه با حکومت‌های خشن و بی‌رحم از حق دست برنداشتند. هر چند بیان شرح حال برخی شیفتگان اهل بیت (ع) و مصائبی که در این راه تحمل کردند، خود فرصتی جداگانه می‌طلبد، لیکن برای درک بخشی از ویژگی‌های آنان به چند مورد اشاره‌ای می‌شود.

حُجر بن عدی ابتدا از اصحاب پیامبر (ص) بود و به سبب زهدش به «راهب اصحاب» شهرت داشت (عسقلانی، ۱۳۲۸: ۳۱۴/۱). با پذیرش خلافت از جانب امیر مؤمنان جزو اصحاب و شیعیان استوار آن حضرت بود و در کنار وی پایدار ماند و او را وصی رسول خدا (ص) می‌دانست. حجر پس از شهادت حضرت علی (ع) با دستور معاویه در دشنام‌دادن به امام علناً مخالفت کرد و در نتیجه، به دستور وی در ۵۱ ق، به همراه یارانش به شیوه‌ای ناجوانمردانه در مرج عذرا به شهادت رسید (ذهبی، ۱۴۱۷: ۴/ ۵۳۲).

همچنین می‌توان از میثم بن یحیی (تمار) نام برد. وی یکی از غلامان بنی‌اسد بود که امام او را خرید و آزاد کرد. شایستگی او در میان اصحاب علی (ع) تا بدان‌جا رسید که

توانست برخی دانش‌ها و حتی اسرار را از ایشان فراگیرد و از برخی امور غیبی آگاه شود (مفید، ۱۴۱۳: ۱/ ۳۲۱). میثم پس از شهادت علی (ع) در پیروی از فرزندانش امام حسن (ع) و امام حسین (ع) ثابت قدم ماند و سرانجام ده روز پیش از شهادت امام حسین (ع) به دستور عبیدالله بن زیاد به دار آویخته شد (طبرسی، ۱۴۱۷: ۱/ ۳۴۲). مالک اشتر، سردار بزرگ، نیز معتقد بود در حضور امام علی (ع) حتی حق مصلحت‌اندیشی ندارد، لذا می‌گفت به هر چه امیرالمؤمنین رضا داد من هم رضا دهم (ابن‌اعثم، ۱۳۷۴: ۷۳۵-۷۳۲).

در مورد سایر اهل‌بیت (ع) نیز وجود چنین طرفدارانی یکی از عواملی بود که می‌توانستند صدای خود را به گوش سایر مردم برسانند و چنانچه موضوع فداکاری ضرورت می‌یافت، آنان ثبات قدم داشتند. همچون یاران باوفای امام حسین (ع) در ماجرای کربلا که با شوق و علاقه‌ای وصف‌ناشدنی به میدان رفتند و به شهادت رسیدند. امیرالمؤمنین (ع) بارها از مردم خواست از اهل‌بیت (ع) اطاعت کامل کنند و در خطبه‌ای ضمن بیان ضرورت و نتایج این همراهی فرمود:

به اهل‌بیت پیامبران بنگرید و از آنان پیروی کنید و هدفشان را تعقیب نمایید که شما را از مسیر هدایت بیرون نمی‌برند و به هلاکت گمراهی بازتان نمی‌گردانند. اگر زمین‌گیر شدند، شما هم بنشینید و اگر قیام کردند، شما هم قیام کنید. از آنان سبقت نگیرید که گمراه می‌شوید و عقب‌نمانید که هلاک می‌گردید (نهج‌البلاغه، ۱۳۷۸: ۲۱۴).

گرچه بسیاری از مردم به علل مختلف از اطاعت اهل‌بیت (ع) بازماندند، اما تعدادی نیز با آنان همراهی کردند. پذیرش نظام امامت و خروج از ساختار نظام قبیلگی حاکم موجب شد تا محبان اهل‌بیت (ع) با باور عمیقی که به حقانیت این خاندان داشتند، حماسه‌های بزرگی بیافرینند و مجاهدات بسیار کنند. امام به این قبیل افراد نیز پرداخته و درباره‌ی نتایج فداکاری‌های بی‌نظیرشان می‌فرماید:

یاور و دوست ما در انتظار رحمت الهی است (همان: ۲۵۲).

آن حضرت در گفتاری دیگر برای کسانی که حق اهل‌بیت (ع) را نیک شناخته‌اند، فضیلتی ویژه قائل شده می‌فرماید:

کسی که روی بستر بمیرد و حق رسول خدا (ص) و حق اهل‌بیت (ع) را شناخته باشد، شهید از دنیا رفته است و پاداشش به عهده‌ی خداست (همان: ۵۸۹).

نتیجه گیری

بررسی مبانی اعتقادات اسلامی حاکی از این واقعیت است که پاسداری از قرآن و تعالیم اسلام فقط از طریق اطاعت از اهل بیت (ع) ممکن است. با وجود ادله متعدد نقلی و عقلی، به علل گوناگون، منزلت و جایگاه واقعی این شجره نورانی بر بسیاری از مسلمانان مخفی ماند و کار بدان جا رسید که خاندان‌هایی که با تمام وجود مقابل اسلام و پیامبر (ص) ایستاده بودند و علناً مرتکب فسق و فجور می‌شدند، بر مسند خلافت اسلامی بنشینند.

امیرالمؤمنین علی (ع)، که تحت سرپرستی پیامبر اکرم (ص) پرورش یافت و دارای فضائل بی‌شمار و منحصر به فردی بود و پیامبر او را باب شهر علم خواند، با درک عمیق خود از این مسئله مهم و لزوم طرح آن در جامعه بارها آن را مطرح کرد. روش امام در مطرح کردن جایگاه اهل بیت (ع) برگرفته از قرآن و کلام پیامبر (ص) بود.

بیان سابقه تاریخی این قضیه، به خصوص در مورد حضرت ابراهیم و خاندانش، لزوم وجود رهبران شایسته از خاندان‌هایی که در آن‌ها نبوت سابقه داشت، و نیز ساماندهی و تمرکز رهبری مبتنی بر شاخص‌های ارزشی اسلام در میان افراد برگزیده بخشی از این رویکرد بود.

علی (ع) با درک این واقعیت تلخ که جامعه اسلامی پس از رحلت پیامبر (ص) به جاهلیت رجعت کرده است، مسئله اساسی در انحراف جامعه را غفلت از جایگاه اهل بیت (ع) می‌دانست. بنابراین، با بیان منزلت این خاندان و حتی صفات دوستان و دشمنان آنان، ابتدا زمینه حفظ اسلام و سپس بیداری قشرهایی از جامعه را فراهم کرد. در واقع با بیداری و تحول فکری در برخی نخبگان و گروه‌هایی از جامعه، زمینه تحولات اعتقادی - فرهنگی فراهم آمد.

پی‌نوشت

۱. قرآن صراحتاً به این خطر اشاره کرده است، چنان‌که در این کتاب آسمانی چنین آمده است:

و ممن حولکم من الاعراب منافقون و من اهل المدینة مردوا علی النفاق لا تعلمهم نحن نعلمهم و سنعذبهم مرتین ثم یردون الی عذاب عظیم: و برخی از عرب‌های بادیه‌نشین که پیرامون شما هستند، منافقند و عده‌ای از اهل مدینه نیز منافقانی هستند که به دورویی خو کرده‌اند، تو آنان را نمی‌شناسی، ما آنان را می‌شناسیم. به‌زودی آنان را دوبار عذاب خواهیم کرد؛ سپس به سوی عذابی بزرگ بازگردانیده می‌شوند (توبه: ۱۰۱).

۲. پرداختن به این موضوع در این مختصر نمی‌گنجد. با وجود این، بی‌توجهی به دستورات مؤکد پیامبر (ص) در مورد جانشینی علی (ع) موجب شکل‌گیری سقیفه بنی‌ساعده و انحراف از خط مشی اساسی اسلام شد و حوادث ناگواری پدید آمد که حمله به خانه حضرت زهرا (س)، دختر پیامبر (ص)، تغییر برخی از تعالیم دین اسلام، قتل‌عام وحشیانه نوادگان و بازماندگان پیامبر (ص) در کربلا و موارد متعدد دیگر فقط بخشی از آن‌هاست. البته پیامبر (ص) قبلاً هشدارهای لازم را در این خصوص داده بود، از جمله فرمود:

من در کنار حوض (کوثر در فردای قیامت) قرار نمی‌گیرم و می‌نگرم که کدام یک از شما بر من وارد می‌شوید و افرادی از شما را می‌گیرند و از امت من به حساب نمی‌آورند؛ من می‌گویم پروردگارا اینان از من و امت من هستند. گفته می‌شود آیا می‌دانی که بعد از تو چه کرده‌اند؟ به خدا قسم بدون معطلی به دوران جاهلیت خود باز می‌گردند (بخاری، ۱۴۰۷: ۵۰۷/۸).

۳. در تفسیر آیه ۵۵ سوره مائده همه کتب تفسیری شیعه تأکید می‌کنند آن شخص که در حال رکوع زکات داد، امیرالمؤمنین علی (ع) بود. همچنین بسیاری از منابع معتبر اهل سنت به همین نکته تصریح می‌کنند، که برخی از این منابع از این قرار است: طبری، ۱۴۱۵: ۱۸۶/۶؛ فخررازی، ۱۳۱۲: ۳/۴۳۱؛ زمخشری، ۱۳۹۷: ۱/۴۲۲؛ بیضاوی، ۱۸۴۸: ۱/۳۴۵؛ آلوسی بغدادی، ۱۴۰۵: ۲/۳۲۹؛ قرطبی، ۱۹۸۵: ۶/۲۲۱؛ ابن ابی‌الحدید، ۱۳۸۶: ۳/۲۷۵؛ سیوطی، ۱۹۹۳: ۲/۲۹۳.

۴. این کتاب نوشته محمدرضا ایزدپور است و نشر آموزش کشاورزی در ۱۳۸۷ آن را منتشر کرده است. در این اثر، برخی از ابعاد وجودی اهل‌بیت (ع) در پاسداری از معارف ناب اسلامی تبیین شده است. ۵. در سوره تحریم، آیات ۴-۵ دو تن از همسران پیامبر (ص) که راز ایشان را افشا کرده و از این طریق، موجب آزرده‌گی آن حضرت شده بودند، مورد سرزنش قرار گرفته‌اند (قرطبی، ۱۹۸۵: ۱۸/۱۸۸).

۶. در خصوص اطلاق اهل‌بیت (ع) به حضرت محمد (ص)، علی (ع)، فاطمه (س)، حسن (ع) و حسین (ع)، منابع بسیاری از اهل سنت وجود دارد که قاضی نورالله شوشتری به بیش از ۷۰ منبع ارجاع داده است (ایزدپور، ۱۳۸۷: ۲۰).

۷. عموم مورخان بر جاهلیت اعراب شبه‌جزیره تا هنگام گسترش اسلام اتفاق نظر دارند. البته برخی از محققان بیشتر بر امی بودن اکثریت اعراب جاهلی و فقدان قدرت خواندن و نوشتن آنان تأکید کرده‌اند (ابن قتیبه، ۱۳۰۰: ۲۴۰؛ ابن سعد، ۱۳۷۳: ۵۲۲، ۵۲۶، ۵۳۱).

۸. ابوهریره و کعب‌الاحبار در جعل حدیث و مخدوش کردن سنت نبوی و اهل‌بیت (ع) بسیار تلاش کردند. آنان در فضیلت معاویه گفتند: «خداوند به پیامبرش وحی کرد که معاویه را کاتب خود قرار بده، زیرا او امین است» (امینی، ۱۳۶۳: ۱۰/۱۶۳).

۹. این خلیفه اموی سب امیرالمؤمنین علی (ع) را، که میراث شوم معاویه بود، ملغی کرد. این اقدام با استقبال مردم روبه‌رو شد و شعرا و گویندگان این اقدام را ستودند (ابن اثیر، ۱۳۹۹: ۵/ ۴۲). البته حکومت این خلیفه دولتی مستعجل بود (از ۹۹ ق تا ۱۰۱ ق) و گفته‌اند بنی‌امیه او را مسموم کردند و به هلاکت رساندند (ابن عبدربه، ۱۴۰۳: ۴/ ۴۳۹).

۱۰. در ادامه چنین آمده است: «اولئك الذين انعم الله عليهم من النبیین من ذریة آدم و ممن حملنا مع نوح و من ذریة ابراهیم و اسماعیل»، یعنی پیامبرانی که در این سوره یاد شدند، همه از اولاد این چهار نفرند: آدم، نوح، ابراهیم، و اسرئیل (قرشی، ۱۳۷۱: ۱/ ۸۴).

منابع

قرآن کریم.

- آلوسی بغدادی، محمود (۱۴۰۵ق). تفسیر آلوسی، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید (۱۳۸۶ق). شرح نهج البلاغه، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- ابن اثیر، علی بن محمد (۱۳۹۹ق). الکامل فی التاریخ، بیروت: دارصادر.
- ابن اعثم کوفی، ابو محمد احمد (۱۳۷۴ش). الفتوح، ترجمه محمد بن احمد مستوفی هروی، مصحح: طباطبایی مجد، تهران: علمی و فرهنگی.
- ابن بکار، زبیر (بی‌تا). الاخبار الموقفیات، تحقیق سامی مکی العانی، بغداد: مطبعة العانی.
- ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۶۳ش). العبر، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: مؤسسه تحقیقات و مطالعات فرهنگی.
- ابن سعد، محمد (۱۳۷۳ق). الطبقات الکبری، بیروت.
- ابن عبدربه، احمد بن محمد (۱۴۰۳ق). العقد الفرید، بیروت: دارالکتب العربی.
- ابن عساکر، ابوالقاسم علی بن الحسین (۱۳۹۸ق). تاریخ مدینه دمشق، بیروت: مؤسسه محمودی.
- ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم (۱۳۰۰ق). المعارف، قاهره.
- ابن هشام، عبدالملک (۱۳۷۵ق). السیره النبویه، تحقیق مصطفی سقا و دیگران، مصر: مطبعة مصطفی البابی الحلبی.
- امینی، عبدالحسین (۱۳۶۳ش). الغدیر، ترجمه زین‌العابدین قربانی، تهران: بنیاد بعثت.
- ایزدپور، محمدرضا (۱۳۸۷ش). نقش اهل بیت (ع) در تبیین معارف اسلامی، تهران: نشر آموزش کشاورزی.
- بابایی، علی اکبر (۱۳۸۱ش). مکاتب تفسیری، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- بخاری، محمد بن اسماعیل بن ابراهیم (۱۴۰۷ق). صحیح البخاری، بیروت: دارالقلم.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۴۲۴ق). انساب الاشراف، تحقیق سهیل زکار و ریاضی زرکلی، بیروت: دارالفکر.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۸۴۸م). انوارالتنزیل، چاپ سنگی.
- تقفی کوفی، ابراهیم بن محمد (بی‌تا). الغارات، تحقیق محدث ارموی، (بی‌جا): مطبعة بهمن.
- جوینی خراسانی، ابراهیم بن محمد (۱۹۸۰م). فرات‌السمطین، تحقیق محمدباقر محمودی، بیروت.

- حاکم نیشابوری، ابو عبدالله (بی تا). *المستدرک علی الصحیحین*، بیروت: دارالمعرفة.
- خمنی، سیدروح الله (۱۳۶۰ش). *مصباح الهدایة الی الخلافة والولایة*، ترجمه سیداحمد فهری، تهران: پیام آزادی.
- ذهبی، محمد بن احمد (۱۴۱۷ق). *سیر اعلام النبلاء*، بیروت: دارالفکر.
- زمخشری، جارالله محمود بن عمر (۱۳۹۷ق). *الکشاف*، بیروت: دارالفکر.
- سیوطی، عبدالرحمن جلال‌الدین (۱۹۹۳م). *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*، بیروت.
- شمس‌الدین، محمدمهدی (۱۳۶۱ش). *جست‌وجویی در نهج‌البلاغه*، ترجمه محمود عابدی، تهران: بنیاد نهج‌البلاغه.
- صدوق، محمد بن علی (۱۹۹۶م). *علل الشرایع*، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- طبرسی، ابومنصور احمد بن علی (۱۴۱۷ق). *اعلام‌الوزری*، قم: مؤسسه آل‌ال‌بیت.
- طبری، محمد بن جریر (۱۴۰۹ق). *تاریخ الامم و الملوک*، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۵ق). *جامع‌البیان عن تأویل آیات القرآن*، بیروت: دارالفکر.
- عسقلانی، ابن حجر (۱۳۲۸ق). *الاصابة*، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- عمید، حسن (۱۳۷۷ش). *فرهنگ فارسی عمید*، تهران: امیرکبیر.
- عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق). *تفسیر العیاشی*، تهران: اسلامیه.
- فخررازی، محمد بن عمر (۱۳۱۲ق). *مفاتیح‌الغیب*، قاهره.
- فراهیدی، ابو عبدالرحمن خلیل بن احمد (۱۴۰۸ق). *کتاب‌العین*، بیروت: مؤسسه اعلمی.
- قرشی، سید علی‌اکبر (۱۳۷۱ش). *قاموس قرآن*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- قرطبی، محمد بن احمد (۱۹۸۵م). *الجامع لاحکام القرآن*، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب (۱۳۷۲ش). *اصول کافی*، ترجمه و شرح محمدباقر کمرهای، تهران: اسوه.
- مسلم بن حجاج نیشابوری (بی تا). *صحیح مسلم*، بیروت: دارالفکر.
- مفید، محمد بن نعمان (۱۴۱۳ق). *الارشاد*، قم: مؤسسه آل‌ال‌بیت.
- مقرئ‌الفیومی، احمد بن محمد بن علی (۱۴۱۹ق). *المصباح المنیر*، تصحیح محمد محیی‌الدین عبدالحمید.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱ش). *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- نقوی، حامد (۱۴۰۶ق). *خلاصة العقبات*، تلخیص سید علی میلانی، قم: مطبعة الشهداء.
- نهج‌البلاغه (۱۳۷۸ش). *ترجمه مصطفی زمانی*، تهران: مؤسسه انتشارات نبوی.